

## مذهب بیماری است؛ یا درمان؟!

❦ فروید با مذهب مبارزه میکند!

❦ ندای فطرت!

❦ اسلام و دانشمندان غرب.

امروز که ترکی است که نام «فروید» (۱) را شنیده باشد، و از فرضیه‌های جالب وی در روانکاری کم و بیش اطلاعی نداشته باشد «فروید» را اگر چه پدر علم روانشناسی میگویند، لکن بنا بر گفته خودش بنیان گذار این دانش جدید - که تقریباً یک قرن از کشف آن میگذرد - دانشمندی بنام: دکتر بریوئر (۲) بوده است، و او هنگامیکه مشغول آزمایشهای اولیه روانکاری بوده فروید دانشجوی پیش نبوده است.

میدانیم که فروید سر و کارش با روان آدمی است، و مطالعات وی در آن امور گوناگونی است که نقش مهمی را در روان انسان بازی میکنند.

وی هنگامیکه دین و مذهب را مورد بررسی قرار میدهد و در باره تأثیرات آن در روح انسان مطالعه میکند، دوچار اشتباهات بزرگی میگردد. این اشتباهات فروید، را بر آن داشت که از مذهب انتقاد کند و آنرا هیولای نکبت - بار برای پیشرفت و تکامل بشر تلقی کند.

«فروید» چون توجه به مذهبی غیر از آئین کلیسا ندارد ، وقتی باین بحث میرسد و عقاید خرافی مسیحیت کنونی را در نظر میآورد با خشم و عصبیت فوق-العاده قلم زهر آگین خود را در دست گرفته مینویسد :

«... هر جا که پای مذهب در میان است امکان گمراه کردن مردم و ابراز هر گونه نادرستی وجود دارد ، فیلسوفان کلمه مبهمی بنام « خدا ، خلق کرده ، و خویشتن را در مقابل جهانیان خداشناس معرفی میکنند ، در صورتیکه خدای آنان سایه‌ای موهوم پیش نیست ... انسان با قبول بین المللی مذهب زمینه را برای ابتلاء بیک بیماری خطرناک روحی در خودش فراهم میکند ...»

آنگاه یکی از عقاید علمی خود را درباره سیر تکاملی انسان چنین ابراز میدارد : «بشر در راه تکامل باید این مراحل سه گانه را بترتیب طی کند :

۱- مرحله خرافه

۲- دین و مذهب.

۳- علم و دانش.»

اینگونه عبارات در میان عقاید «فروید» بسیار مشاهده میشود ، و بطور کلی وی خود را یک مرد بتمام معنی مخالف دین و مذهب معرفی میکند . در اینجا حس کنجکاوی هر کسی تحریک میشود ، و با خود فکر میکند : آیا عقیده فروید ؛ درباره مذهب تا چه اندازه صحیح است ؟ .

من بدون هیچگونه تعصب ، با تجربیات بالینی و تحقیقات دانشمندان غرب و نظریه اسلام بشما ثابت میکنم که عقیده «فروید» در این خصوص کاملاً خطا و غیر قابل قبول است ، اینک با دقت بیشتری بخوانید :

### \* ندای فطرت

اگر تاریخ زندگی بشر را ورق زنیم ، در طول زندگی چند هزار ساله انسان بکمتر نقطه‌ای برخورد میکنیم که انسان بدون مذهب زیست کرده باشد . چنانکه مبینیم در هر زمانی بشر مطابق سطح افکار و معلومات خود معبودی داشته و بدستورات و آدابی - صحیح یا باطل- بنام دین پای بند بوده است ، بنا

براین باید گفت : تاریخ پیدایش دین و مذهب مساوی است با تاریخ آفرینش انسان .

از اینجامبتوان باین اصل کاملاً آفتابی و روشن پی برد که دین و مذهب ندای فطرت انسان است . و این خود نزدیکترین راهی است برای رسیدن باشباه فروید . زیرا نظریه و عقیده‌ای که برخلاف فطرت باشد بهیچ‌روی نمیتوان آنرا قبول کرد و دانشمندان پنداشت ، درست خفه کردن ندای فطرت نتیجه‌اش بار بودن عقل انسان بر ابراست ، چنانکه «فروید» خود برای درمان بیماریهای روانی بندای فطرت آنچنان عمیقانه گوش فرا میدهد که حتی معتقد است : برای گسستن عقده‌های روان ، انسان باید آزادانه تمایلات فطری و غرائز نفسانی خود را ارضاء و کامیاب کند ، هرچند آنها با تمدن و فرهنگ و اخلاقیات هماهنگی نداشته باشند! (۱)

مثلاً کسیکه مبتلا به بیماری سادیسم Sadiism (مردم‌آزاری) شده است و میل مفرطی بآدم‌کشی از خود نشان میدهد ، باید آنقدر حیوان زنده در اختیار او بگذارند ، تا بواسطه کشتن آنها این میل درونی خود را ارضاء کند و یا کسی که عشق مفرطی بیک زن دارد باید بهر وسیله که باشد او را کامیاب کند ؛ والا بیماریهای روحی درمان‌ناپذیر و خانه برانداز ، مستقیماً زندگی او را بخطر خواهند افکند .

فروید با اینهمه احترامی که برای فطرت قائل است و حتی برای ارضاء و کامیابی آن در منطقه ممنوع قدم مینهد ، در عین حال فطرت مذهب را درهم میکوبد و عجیب اینجاست که آنرا بیماری بین‌المللی معرفی میکند !!  
اینجاست که کارل گنیسگر روانشناس آمریکائی میگوید : «فروید با مبارزه با مذهب اصول فرضیه‌های روانی خود را درهم ریخته است زیرا او از یکطرف با (فطرت مذهبی) مبارزه میکند ، و از یکسوی دیگر بر آن (فطریات غیر مذهبی) تسلیم میشود» (۲)

(۱) پیدایش روانکاوی س ۲۰۹ .

(۲) اعجاز روانکای س ۲۳۲ .

این عقاید ضد و نقیض «فریاد» ما را با شتاب و بی‌راهنمایی میکند و بما اطمینان میدهد که او در این بحث بدون دقت مطالعه کرده، و با اثرات درمانی مذهب که هم اکنون میخوانید توجه نداشته است.

### اسلام و دانشمندان غرب

دین و مذهب از نظر اسلام با جلوه کاملی نمودار است، چنانکه قرآن در ضمن آیات بی شماری اثر آرامبخشی ایمان و تدین را گوشزد میکند در سوره ۱۴، آیه ۲۹ میگوید: «بواسطه یاد خدا قلب آرام میگیرد و دلپهره‌ها خاتمه مییابند» (۱) و در سوره ۴ آیه ۱۰۵ چنین است: «در هر حال خدا را یاد کنید آنگاه پس از آنکه برای شما آرامش روحی پدید آمد نماز بخوانید» (۲) چنانکه تجربه نشان میدهد افرادی که متدین واقعی هستند، با اطمینان خاطر زندگی میکنند و ناراحتیهای روحی از آنان برکنار است، و راستی آنها دلپره و اضطراب و خاطر غمناک ندارند. این آشوبهای روانی و ناراحتیهای نابهنگام فکری که در اغلب افراد مشاهده میگردد، و احیاناً بصورت الفاظ و عباراتی مانند: «اگر چنین و چنان شود چکار بکنم!»، «بزان جائی میشود»، و گاهی هم موجب بیماریهای روانی میگردد، همه در اثر نبودن ایمان واقعی است، اینک این ندای قرآن را از یک نفر بیگانه بشنوید:

«تولستوی» میگوید: «قبل از آنکه ایمان آورم احساس میکردم همه چیز در زندگی من در حال ویرانی است حتی پایه و اساس اعتقادات من در حال فرو ریختن بود و احساس میکردم که رو بنام بودی میروم، در زندگی من هیچ جریان مساعدی وجود نداشت، و خدائی را نمیشناختم، بدین دلیل هر شب قبل از خوابیدن اطمینان حاصل میکردم که طنابی در اطرافم وجود نداشته باشد زیرا میترسیدم در نیمه‌های شب خود را خفه کنم! بشکار نمیرفتم چون میترسیدم تصادفاً بزندگی خود خاتمه دهم.»

«مارتین لوتر کینگ» در اثر حادثه ناگواری که برای وی پیش آمد کرد نزدیک بود خود را بپازد ولی پس از آنکه ایمان خود را محکم کرد بیک مرتبه تمام

(۱) الا بذکر الله تطمئن القلوب .

(۲) فاذا ذكروا الله قیما و قعودا و علی جنوبکم، فاذا اطمأننتم فاقیموا الصلوة .

آشوبهای روانی و دلبره‌های باطنی‌وی از میان رفت ، وحتى هنگامیکه خانهاش را منفجر کردند ، بنا بگفته خودش وقتی از جریان آگهی یافت بهیچوجه اظهار آشفتگی نکرد ، زیرا روحیه او بواسطه ایمان نیرو گرفته بود .  
 ما نمیدانیم این موارد محسوس را فریاد چگونه توجیه میکند ؟ او با چه جرأتی مذهب را بیماری بین المللی معرفی میکند ؟!

« کامل منینگر » در کتاب خود (محبت در برابر نفرت) (۱) فصلی برای ایمان باز میکند و اثرهای روانی آنرا بطور کافی خاطر نشان میسازد : از جمله میگوید : « مذهب برای کشمکشهای زیادی که موجب عقده‌های خطرناک روانی می‌گردد ، قدرتی عظیم و توانا در انسان بوجود می‌آورد ، افرادی که از ایمان و مذهب واقعی برخوردار هستند از بسیاری از تهاجمهای روحی ایمن میباشند ، و میتوان گفت : آنها در دامن والدین نیک سیرت و مؤمنی پرورش یافته‌اند .  
 دین و مذهب نه تنها برای آرامش روان و درمان بیماریهای روحی نقش مؤثری را بازی میکند ، بلکه برای تمدن و بهتر زیستن انسان عامل بسیار نیرومندی بشمار میرود ، دین و مذهب درست یک سلسله قوانین و محدودیت - هائی است که انسان را از وحشیگری و تجاوز از حقوق انسانی باز میدارد . اکنون بدون تردید و شك باید بشوآل بالا چنین پاسخ داد : مذهب درمان است ، نه بیماری !

۱ - Love against hate . By : Carl Menninger .

### پیغمبر بزرگوار اسلام فرماید:

هر کس خوشنود و شادمان باشد باینکه زندگانی و مرگ او همانک و همانند زندگانی و مرگ من باشد و جایگاه او در بهشت آراسته و جاودانی باشد ، باید پیروی کند و دوست بدارد علی (ع) را پس از من و پیروی کند و دوست بدارد پیرو و دوست او را ، و به پیشوایان بعد از من اقتدا نماید چه آنان عترت منند و از سرشت من آفریده شده اند و از سر چشمه درک و دانش نصیب کافی گرفته اند و ای بر آن گروه که فضیلت و برتری آنها را دروغ پنداشته و رشتۀ پیوسته مرا با آنها بکسلند ، خدای شفاعت مرا با آنان نرساند ( ترجمۀ القادیور - ج ۱ ، نقل از حلیة الاولیاء - ج ۱ )

کتابخانه علمی و تحقیقاتی